**مروارید در صدف**

**تألیف:**

**عبدالباسط توتازهی**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | مروارید در صدف |
| **عنوان اصلی:** |  |
| **تألیف:** | عبدالباسط توتازهی |
| **مترجم:** |  |
| **محقق یا مصحح:** |  |
| **موضوع:** |  |
| **نوبت انتشار:** |  |
| **تاریخ انتشار:** |  |
| **شمارگان (نشر کاغذی):** |  |

**این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**

**www.aqeedeh.com**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **ایمیل:** | **[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)** | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com |

****

بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[مقدمه 1](#_Toc424025229)

[رابطه‌ی حجاب با فرهنگ اسلامی 5](#_Toc424025230)

[فساد در جامعه کنونی 6](#_Toc424025231)

[مارکس 7](#_Toc424025232)

[درکیم 7](#_Toc424025233)

[فساد اخلاقی در جامعه 7](#_Toc424025234)

[فساد در روابط جنسی 9](#_Toc424025235)

[فساد در جوانان 10](#_Toc424025236)

[اهميت حجاب از ديدگاه اسلام 11](#_Toc424025237)

[ازدواج بهترین راه برای جلوگیری از بی‌عفتی 13](#_Toc424025238)

[هدف از ازدواج 13](#_Toc424025239)

[ازدواج از دیدگاه قرآن 14](#_Toc424025240)

[اعمال منافی عفت 15](#_Toc424025241)

[چشم‌چرانی 15](#_Toc424025242)

[زنا 17](#_Toc424025243)

[همجنس‌بازی 18](#_Toc424025244)

[حکم همجنس‌بازی در زمان خلیفهی اول 20](#_Toc424025245)

[استمنا بالید 20](#_Toc424025246)

[تشابه به زنان و مردان 21](#_Toc424025247)

[سفر زن به تنهایی یا با مرد بیگانه حرام است 22](#_Toc424025248)

[اختلاط با مرد و زن اجنبی 23](#_Toc424025249)

[خلوت کردن با نزدیکان شوهر 25](#_Toc424025250)

[حضرت فاطمه الگوی زنان امت محمدی 26](#_Toc424025251)

[حقوق زن و شوهر بر همدیگر 29](#_Toc424025252)

[حقوق شوهر بر زن 29](#_Toc424025253)

[حقوق زن بر شوهر 32](#_Toc424025254)

[خاتمه 35](#_Toc424025255)

[فهرست منابع و مآخذ 36](#_Toc424025256)

مقدمه

از مسائلی که امروز در جامعه بشری مورد علاقه صاحب نظران و علاقمندان به تحقیقات است، نقش اجتماعی زن در جامعه است. از آنجائی که زن یکی از مخلوقات خاصه خدای عزوجل است که تکامل هر مرد بر وجود زنی بستگی دارد و این امری انکار ناپذیری است و چه بسا مردانی را پرورش دادند که جهان را در شگفتی فرو بردند و در تکامل انسان سازی نقش بسیار مهمی را بر عهده داشته‌اند که هر جامعه شناس، مهر تأیید بر آن می‌زند و نقش زنان را در فرهنگ سازی جامعه می‌ستاید و چنان‌چه زندگی زن را در دوران ما قبل اسلام بنگریم می‌بینیم که همواره مردها رفتارهائی همانند حیوانات با زنان خود داشته‌اند. و زن را یکی از موجودات پست و ذلیل به حساب می­آوردند و او را مانند یک کالا به بازار برای خرید و فروش می­بردند. چنان‌چه در زمان جاهلیت در عرب رسم بر این بود که اگر دختری به دنیا می‌آمد او را از ترس فقر و تنگدستی زنده به گور می­کردند و خداوند با اشاره به این مطلب در قرآن مجید فرموده است:

﴿وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُم مِّنۡ إِمۡلَٰقٖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكُمۡ وَإِيَّاهُمۡۖ﴾ [الأنعام: 151]

«فرزندانتان را از ترس فقر و تنگدستی نکشید «چرا که» ما به شما و ایشان روزی می‌دهیم».

­­در زمان جاهلیت زن در میان عرب موجودی بین انسان و حیوان به حساب می‌آمد و فلسفه وجودی آن خدمت به شوهر، انجام کارهای شوهر و محل غریزه جنسی شوهر بود. به همین خاطر تولدش مایه ننگ و عاری در میان مردم عرب بود. هر فردی که برای او دختری متولد می‌شد او را بلافاصله زنده بگور می‌کرد تا شرافت و عزتش جریحه‌دار نشود قرآن مجید این قسمت از تاریخ را با کمال زیبایی و شیوائی بیان می‌فرماید:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ٥٨ يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ٥٩﴾ [النحل: 58-59]

«و هنگامی که به یکی از آن‌ها مژده تولد دختر داده می‌شد، آن چنان از فرط ناراحتی چهره‌اش متغییر می‌شد که صورتش سیاه می‌گردید و مملو از خشم و غضب و غم و اندوه می‌شد، و از قوم و قبیله (خود) به خاطر این مژده بدی که به او داده می‌شد. خویشتن را پنهان می‌کرد، سر گشته و حیران به خود می‌گفت: آیا این ننگ را بر خود بپذیرد و دختر را نگه دارد و یا اینکه او را زیر خاک زنده به گور سازد؟ آن چه قضاوت بدی بود که می‌کردند».

زندگی و پرورش زن در چنین حالتی بود که اسلام با ظهور تابناکش تمام این جاهلیت‌ها را از بین برد و نقش واقعی زن را به زنان تقدیم کرد. این اوّلین باری بود که زنان توانستند به وسیله­ی اسلام حقوقشان را بدست بیاورند تا جائی که اسلام حق و حقوق زن را در امور معیشتی، میراثی و مسائل زناشوئی به صراحت بیان می‌دارد و هیچ‌گونه چشم پوشی را در قبال حق زن نمی‌پذیرد و جایگاه اصلی زن را تعیین کرد و روابط زناشوئی را به صورت قانون مندی مشروع گردانید و حقوق هر یکی از زن و شوهر را مشخص کرد.

خلاصه اینکه زن و شوهر را از یک چشمه و اصل قرار داد و دلیل برتری یکی بر دیگری را از میان برداشت همچنان که خداوند می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا١﴾ [النساء: 1]

«ای مردم، از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو؛ مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید، و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‏کنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است».

اسلام نه تنها تلاش کرده است که حق از دست رفته زن را بازگرداند بلکه نیز به حرمت و عزّت زنان و دختران احترام می‌گذارد و به نگهداری دختران وصیت می‌کند. همچنان که رسول الله ج می‌فرمایند:

«هرکسی سرپرستی دو دختر را به عهده بگیرد تا اینکه بزرگ و بالغ بشوند روز قیامت در بهشت همراه من خواهد بود و آن قدر به من نزدیک خواهد بود که دو تا انگشت به هم نزدیک هستند»[[1]](#footnote-2).

اسلام با ظهورش زندگی را به زن عرضه کرد و همه­ی خرافات و اعتقادات جاهلانه را از بین برد و احساسی نو به جامعه زن بخشید و به انسان یاد آور شد که زن در زندگی بسیار نقش مهمی‌دارد که مسئولیت زن در جامعه فقط ازدیاد نسل و خدمت به مرد نیست بلکه او همانند مرد در مسائل مختلف شریک است و حتی از آن مزایا و حقوقی که مرد بهره می­برد زن هم مستحق تمام این حقوق است.

والحمد لله رب العالمین

«عبدالباسط توتازهی»

رابطه‌ی حجاب با فرهنگ اسلامی

امروزه در جامعه اسلامی می‌بینیم که اکثر زنان مسلمان از حجاب و فرهنگ اسلامی دور هستند و بیشتر زنان لباس خود را به مد روز و با فرهنگ غربی مطابقت می­دهند. در حالی که در اسلام معنویت و روحانیت هیچگاه در مقابل مادیت و جسمانیت قرار نگرفته است.

چنان نیست که انسان برای رسیدن به حقیقت معنوی خود مجبور باشد واقعیت مادی خویش را از بین ببرد.

انسان در همه ی نگاه‌های معنوی و از جمله در اسلام به این خاطر لباس به تن نمی­کند که تن خود را عرضه کند بلکه به این خاطر لباس می­پوشد تا تن خود را بپوشاند لباس برای او یک حریم و دژ محکمی است تا خود را از دستبرد محفوظ نگه دارد، و کرامت خودش را حفظ کند. لباس برای این نیست که تحریک جنسی را بیفزاید بلکه برای آن است که تحریک جنسی را کم کند یک فرد مسلمان کمال و عزتش را در آن نمی‌بیند که تن خود را به مردم بفروشد بلکه این است که جان خود را به خدای خود بفروشد تا مصداق این آیه کریمه قرار بگیرد که خداوند می‌فرماید:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡرِي نَفۡسَهُ ٱبۡتِغَآءَ مَرۡضَاتِ ٱللَّهِۚ وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ٢٠٧﴾ [البقرة: 207]

«و از میان مردم کسی است که جان خود را براى طلب خشنودی خدا می‏فروشد و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است».

فساد در جامعه کنونی

از دیر باز زن مورد ظلم و ستم گوناگون قرار گرفته است. از همان زمان قدیم در میان ادیان و ملل گذشته و حتی در زمان جاهلیت میان مردم عرب نیز زن مورد ظلم و ستم قرار داشت و دستاویزه مرد بود تا اینکه با ظهور اسلام این ظلم و ستم از مرد گرفته شد و زن حقوق خودش را باز گرفت اما بعد از چندین قرن از گذشت اسلام فساد و بی‌بند و باری باز هم جامعه را فرا گرفت و یهودیان و دشمنان اسلام که هر روز در فکر ترفند تازه‌ای برای انتقام از اسلام و اسلام خواهی هستند و تا حدودی هم در این اندیشه پلید خود موفق شدند و با تمام تلاش‌ها و کوشش‌ها و سرمایه گذاری‌های که در میان کشورهای اسلامی انجام می‌دهند تا زنان و جوانان مسلمان را از دین و آئین خویش دور کرده و با ساختن سلاحهای سرد همچون فیلم‌های مبتذل و انتشار کتاب‌ها و مجلات غیراخلاقی و با ورود مواد و قرص‌های روان گردان آنان را به سوی خود بکشانند.

بله، تحت تاثیر همین حرکت دسته‌جمعی عوامل ویران گر و در پی این فساد انبوه و متراکم بتدریج پیوند­های دین و اخلاق، آداب و رسوم و سنتهای انسانیت یکی پس از دیگری از هم گسیخت.

نیز طبقه زنان که کم کم طعم گوارای انسانیت را می‌چشید و شخصیت فردی خود را احساس می­کرد و این روال همچنان ادامه داشت تا اینکه دشمنان اسلام و غربی‌ها با تبلیغات سلاح‌های سرد و مضر آنان را بی‌راه کردند و برای شهوت‌رانی و امیال جنسی خویش آنان را مثل کالا خرید و فروش می­کردند و حق و حقوق آنان را از آن‌ها گرفته و آنان را از نظر اقتصاد در تنگنا قرار می‌دادند تا برای رفع مشکلات معیشتی دست به هر کار ناجائز و خلاف انسانیت بزنند و خود را مانند یک حیوان تحت اختیار مردان شهوت پرست قرار دهند و از این راه در آمدی برای گذراندن زندگی داشته باشند.

این مکر و حیله از فکر و اندیشه چند نفر از یهودیان و دشمنان اسلام بود که از این راه بتوانند با اسلام و مسلمین مبارزه کنند و آنان را از حقیقت دین اسلام دور سازند.

مارکس

«یکی از این یهودیان شهوت پرست بود که می‌گفت هستی انسان و حقیقت زندگی و شخصیت انسان فقط غریزه جنسی است».

درکیم

«یکی دیگر از یهودیان و شیطان‌صفتانی بود که اعلام کرد تنها راه سعادت بشریت آمیزش مرد و زن است از هر دری باشد و در هر جائی که باشد».

فساد اخلاقی در جامعه

عرب در زمان جاهلیت دارای نمونه‌های خاصی از اخلاق بودند در میان این جاهلیت‌ها، شجاعت، فداکاری، جانفشانی در راه‌های اعتقادی و همچنین کرم، عزت نفس و سر فرود نیاوردن در مقابل ظلم و ستم و بسیاری فضائل از این قبیل حتی نتوانست جاهلیت را از آنان سلب کند. همه این جهالت‌ها از آن بود که از دین و آئین خدای عزوجل دور بودند. اروپائیان نیز در زندگی­شان از فضائل و ویژگی‌های خاصی برخوردار بودند لیکن این فضائل نیز بخاطر دور بودن از آئین و دین خدا ارزشی نداشت.

بله! روزی بود که همه اصول و برنامه‌های اخلاقی اروپائیان از سرچشمه دین و فضائل انسانی سرچشمه می‌گرفت. این وضع اخلاقی آنان بود تا اینکه جنگ‌های صلیبی شعله ور گشت و بسیاری از آنان به سرزمین‌های اسلامی پناه آوردند و حتی دولت‌های کوچکی تشکیل دادند و از آداب و رسوم اسلامی در سرزمین‌های مسلمین بهره می­بردند و از آشنائی و آمیزش با مسلمانان استفاده کامل بردند و با حفظ و اخلاق اسلامی خود جهان را با دید مثبت می‌نگریستند.

تا اینکه این اقوام متعصب می‌دیدند که مسلمانان با شنیدن صدای اذان مغازه‌ها را گذاشته و به مسجد می‌شتافتند بدون اینکه کسی به مغازه‌ها دستبرد بزند.چونکه این مسلمین در مکتب اسلام اخلاق را فرا گرفته بودند و موسس آن رسول اکرم ج خود یکی از بهترین شخصیت‌های اخلاقی بشر بود و خداوند عزوجل در قرآن کریم در مورد اخلاق پیامبر ج می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٖ٤﴾ [القلم: 4]

«هر آئینه تو با اخلاقی بزرگ آراسته‌ای».

این اخلاق مسلمین را به اروپا منتقل کردند و تا چندین مدت با چنین اخلاقی زندگی می­کردند. تا اینکه دشمنان اسلام باز هم وارد عرصه مبارزه شد و با فلسفه یونانی، با اخلاق یونانی که منافی اخلاق اسلامی بود مبارزه را آغاز کردند و با ساختن مدارس و دانشگاه‌های غیر اسلامی جوانان و زنان آن دیار را به ورطه نابودی کشاندند و آن‌ها را به سوی بد حجابی و اخلاق غیر انسانی سوق دادند و آن‌ها را از اخلاق و انسانیت به زشتی و حیوانیت رساندند. تا اینکه تمام اروپا را توانستند به تسلط خود در بیاورند و زنا و همجنس‌بازی و غیره را در میان مردم شایع گردانیدند تا اینکه مردم کاملا آن اخلاق اسلامی را که فرا گرفته بودند از یاد بردند و امروز مشاهده می‌کنیم که تمامی فساد‌های اخلاقی و سیدیهای مبتذل و فیلم‌های ناجائز و مشروبات الکلی و مدهای غربی را به مناطق مسلمین می­فرستند تا آن‌ها را هم به سوی خود بکشانند و اخلاق اسلامی را که اخلاق ناب محمدی است دور گردانند و حتی الامکان نابود سازند.

فساد در روابط جنسی

بحثی که ما قبلاً آن را بیان کردیم فساد اخلاقی در جامعه بود که غربی‌ها و دشمنان اسلام با مدرن ترین ابزارات و تجهیزات و صلاح‌های سرد برای مقابله علیه اسلام می‌پردازند تا بتوانند مردان و زنان مسلمان را به پرتگاه نابودی برسانند آنان با تبلیغات از رسانه‌ها و ماهواره‌ها و با پخش کردن فیلم‌های مبتذل و انواع سیدی‌های غیر مجاز راهی برای از بین بردن اخلاق اسلامی در میان جوانان و زنان مسلمان را آغاز کرده‌اند تا بتوانند از این طریق غریزه جسمانی آن‌ها را تحریک کنند و آن‌ها را به بی‌حیایی و بد حجابی بکشانند یکی از مهمترین راهائی که فساد اخلاقی و روابط جنسی را شائع می‌گردانند نگاه کردن نامحرم و برقرار کردن روابط دوستانه با جوانان بیگانه است که دشمنان اسلام به هر طریقی شده تلاش می‌کنند که روابط جنسی را بین مسلمانان مرد و زن ایجاد کنند و برای بی‌بند و باری جامعه از هیچ راهی دریغ نکنند.

آنان می‌دانند که پسران و دختران در ایام شیرین زیستن به معاشرت و عشق بازی با دختران و پسران بیگانه و متعدد عادت می‌کنند و در مجالس رقص، در کنار خیابان در سالن سینما و تأتر، در اداره‌ها در جنگل‌ها و در سواحل دریا با صد‌ها تن از جنس خود معاشرت و آمیزش می‌کنند و برای یافتن همسرانی که از هر جهت مناسب و موافق آنان باشند تلاش می‌کنند که نتیجتاً جامعه به فساد و بی‌بند باری کشیده می‌شود و آنان دستخوش و بازیچه این تفکر آنان خواهند شد و زندگی خود را طبق عادتی که در مجالس غیر اسلامی حاصل کرده می‌گذرانند و به دنبال شهوت‌رانی و غریزه جسمانی خود خواهند رفت.

فساد در جوانان

یکی از بدترین پدیده‌هائی که امروزه بیشتر در میان جوانان و نوجوانان دختر و پسر شیوع پیدا کرده است فساد و بی‌بند و باری است. جوانان و نوجوانان امروز فکر می‌کنند که زندگی بدون شهوت و لذات حرام معنائی ندارد و باید بدون این کارها با زندگی خداحافظی کرد.

بعضی از افرادی که تنگ نظر هستند و سطح فکری آن‌ها کم است گمان می‌کنند که برهنگی و یک جا شدن با زنان بیگانه و نامحرم پیشرفت و ترقی است. این افراد در زندگی هیچ هم و غمی ندارند و فقط در فکر افتادن به دنبال ناموس دیگران و دختران پست و بی‌حیا هستند و شکل و قیافه خود را به شکل غربی‌ها آرایش می‌کنند و از آن‌ها کورکورانه تقلید می‌کنند و همیشه در فکر فسادی به فساد دیگر و از گناهی به گناه دیگر هستند و دائماً فکرشان به خیابان‌ها و کوچه‌ها به دختران مردم است که چگونه با آن‌ها ارتباط حاصل کنند.

یکی از بهترین راه‌های جلوگیری از فساد و بی‌بند و باری در جامعه این است که پدران و مادران همیشه به فکر فرزندانشان باشند و آن‌ها را از رفیقان بد باز دارند و آن‌ها را به مراکز علمی برای تربیت و اصلاح اسلامی بفرستد.

اهميت حجاب از ديدگاه اسلام

از آنجائی که اسلام دین عفت و حیا است برای جلوگیری از فساد و گناه در میان زوجین برابری و مساوات قائل شده است. مرد و زن را از یک جنس معرفی کرده است و به آن دستور داده تا از حریم یکدیگر تجاوز نکنند و به احکامات خداوند پایبند باشند و حقوق همدیگر را پایمال نکنند و به زنان دستور حجاب داده است تا از نگاه مردان نامحرم دور باشند و خود را در برابر مردان بیگانه آرایش و تزئین نکنند. از رسول الله ج روایت شده که فرموده اند:

«و عن ابن مسعودس عن رسول الله ج قال: المرأة عورة‌ فإنها إذا خرجت من‌ بيتها استشرفها الشيطان وإنها لا تكون إلى وجه الله أقرب منها في قعر بيتها»[[2]](#footnote-3).

از عبدالله ابن مسعودس روایت است که رسول اکرم ج فرمودند:

«زن باید که در ستر باشد و مطمئناً وقتی که از خانه بیرون می­آید شیطان در کمین او است و زن نزد خداوند شایسته و نزدیکتر نیست مگر اینکه که در داخل منزلش باشد».

دین مبین اسلام حد الامکان به زنان توصیه نمود تا در داخل خانه باشند و در منزل زندگی کنند تا در حیا و عفت خودشان بمانند و از شر شیطان در امان خداوند باشند. این بهترین راه برای زنان است که خود را از منجلاب فتنه و فساد و گناه مصون دارند و به مردان بیگانه اجازه ندهند که در حریم آنان تجاوز کنند.

اسلام والاترین مقام و مرتبه را برای انسان‌ها به ارمغان آورده تا میان انسان و حیوان امتیازاتی باشد. در این راستا اسلام بهترین احکامات را برای انسان تشریع کرده تا با عفت و حیا خود را از دیگر مخلوقات متمایز کند.

ازدواج بهترین راه برای جلوگیری از بی‌عفتی

یکی از بهترین راه‌هائی که انسان می‌تواند به کمال و عزت نفس برسد و خود را از منجلاب گناه رها سازد ازدواج سالم است که انسان می‌تواند از این راه مشروع خواهشات و غریزه جسمانی خود را حاصل کند.

اسلام ازدواج را بهترین راه برای پیشگیری از بی‌حیائی و بی‌عفتی قرار داده است که در جامعه فساد و بی‌بند و باری عام نگردد. چنان‌که در دین مسیح÷ بهترین کس آن شخص است که ازدواج نکند و اگر کسی ازدواج نمی‌کرد به درجه رهبانیت می‌رسید در حالی که شریعت محمدی ازدواج را برای تزکیه نفس و تقوا و خداترسی بهترین راه انتخاب کرده است و رهبانیت (ترک نکاح) را منع کرده است.

هدف از ازدواج

ازدواج فرهنگی است که در آن عشق، محبت و عطوفت پیدا می‌شود و نیازهای زن و شوهر حاصل می‌شوند. مرد هنگام برگشتن از کار در کانون گرم خانواده می‌نشیند و تمام خستگی‌های بیرون را فراموش می­کند و در کنار زن و فرزندانش آرامش روحی به او دست می‌دهد و تمام مسائل خود را با آن‌ها در میان می­گذارد و به این ترتیب است که در کنار هم، هم دلی را تجربه می­کنند و همدم و یار یکدیگر در زمان کهولت و پیری هستند و در این زمان است که به مهر و محبت همدیگر نیاز دارند و به جز همسر کسی دیگر نیست که بدرد آن‌ها بخورد.

چه زیبا فرموده است الله متعال:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةًۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ٢١﴾ [الروم: 21]

«و یکی از نشانه‌های (قدرت و عظمت) خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت مسلماً در این نشانه‌ها و دلائل (بر عظمت و قدرت الله) وجود دارد برای افرادی که بیندیشند».

ازدواج از دیدگاه قرآن

یکی از اهداف قرآن ایجاد خانواده سالم بین مرد و زن است که پایگاه سالم برای جامعه و امت اسلامی بتواند باشد. قرآن ازدواج را نشانه‌ای از نشانه‌های خدای عزوجل مانند آفرینش آسمان و غیره به شمار می‌آورد. همانگونه که خداوند می‌فرماید:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةًۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ٢١﴾ [الروم: 21]

«و یکی از نشانه‌های (قدرت و عظمت) خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت مسلماً در این نشانه‌ها و دلائل (بر عظمت و قدرت الله) وجود دارد برای افرادی که بیندیشند».

شکی نیست که اصل و اساس ازدواج تشکیل خانواده است که مرد و زن آن را تشکیل می‌دهند که با پاکی و تقوا بر پایه‌های استوار باشند.

اعمال منافی عفت

چشم‌چرانی

چشم‌چرانی یکی از تله‌ها و دام‌های شیطان برای گمراه کردن و از راه بی‌راه کردن است که امروزه در میان جوانان زیاد مشاهده می‌شود زنانی که عفت و حجاب خود را از دست داده‌اند و برای گمراه کردن جوانان خود را در خیابان و کوچه‌ها آرایش و تزیین می‌کنند در مورد چنین افرادی خدای می‌فرماید:

﴿۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ وَمَن يَتَّبِعۡ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَإِنَّهُۥ يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۚ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ أَبَدٗا وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ٢١﴾ [النور: 21]

«ای کسانی که ایمان آورده‏اید پای از پی گام‌های شیطان منهید و هر کس پای بر جای گام‌های شیطان نهد [بداند که] او به زشتکاری و ناپسند وامی‏دارد و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‏شد ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می‏گرداند و خدا[ست که] شنوای داناست».

اکثر مردم زیبائی زن را مدنظر دارند و برای بلند شدن فتنه چشم‌چرانی همین کافی است که زن بیگانه خود را به روش‌های غربی و غیراسلامی آرایش کند و در جلوی مردان بیگانه مانور بدهد.

در حالی که اسلام به عفت و شرف زن و خانواده و حفظ و آبروی آن‌ها از برای بی‌بند در جامعه توجه خاصی از خود نشان داده است.

چنان‌چه الله متعال می‌فرماید:

﴿قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ٣٠ وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوۡ ءَابَآئِهِنَّ أَوۡ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآئِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوۡ نِسَآئِهِنَّ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيۡرِ أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ مِنَ ٱلرِّجَالِ أَوِ ٱلطِّفۡلِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يَظۡهَرُواْ عَلَىٰ عَوۡرَٰتِ ٱلنِّسَآءِۖ وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّۚ وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ٣١﴾ [النور: 30-31]

«ای پیامبر به مردان مومن بگو دیدگان خویش را باز گیرند و فروج خویش را حفظ کنند این برایشان پاکیزه تر است و خدا از کارهائی که می­کنید آگاه است و به زنان مومن بگو دیدگان خویش را باز گیرند و فروج خویش را حفظ کنند و زینت خویش را نمایان نکنند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان و یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسر شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش‌] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن‌] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورتهای زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند؛ و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین‌] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن‌] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید».

در جائی دیگر می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا٥٩﴾ [الأحزاب: 59]

«ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است».

زنا

یکی از امراض مهلک و جانسوز که برای جامعه بی‌حیائی و بی‌عفتی را در بر دارد و عفت و شرف انسان را از بین می‌برد عمل زنا است که بر اثر فساد و بی‌بند و باری دامنگیر هر شخص فاسد می‌شود که خداوند در چندین مورد در قرآن مجید از این عمل که باعث از بین بردن حیا و ایمان می‌شود بر حذر داشته است.

﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ سَبِيلٗا٣٢﴾ [الإسراء: 32]

«و به زنا نزدیک مشوید، چرا که آن همواره زشت و بد راهی است».

همچنین خداوند در جائی دیگر می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِذَا جَآءَكَ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ يُبَايِعۡنَكَ عَلَىٰٓ أَن لَّا يُشۡرِكۡنَ بِٱللَّهِ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا يَسۡرِقۡنَ وَلَا يَزۡنِينَ وَلَا يَقۡتُلۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ وَلَا يَأۡتِينَ بِبُهۡتَٰنٖ يَفۡتَرِينَهُۥ بَيۡنَ أَيۡدِيهِنَّ وَأَرۡجُلِهِنَّ وَلَا يَعۡصِينَكَ فِي مَعۡرُوفٖ فَبَايِعۡهُنَّ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُنَّ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ١٢﴾ [الممتحنة: 12]

«ای پیامبر! چون زنان باایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه‏های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان [و حیله] به شوهر نبندند و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه زیرا خداوند آمرزنده مهربان است».

چنان‌چه رسول خدا ج می‌فرماید:

«لا يزني الزاني حين يزني وهو مؤمن»[[3]](#footnote-4).

«زانی به هنگام عمل زنا ایمان ندارد».

در جائی دیگر می‌فرماید:

«إن الزناة تشتعل وجوههم النار»[[4]](#footnote-5).

«روز قیامت از صورت زناکاران آتش شعله می‌کشد».

همجنس‌بازی

یکی دیگر از آثار مهلک و خانمان‌سوز همجنس‌بازی است که برای اولین بار این عمل ننگین و زشت را قوم لوط آغاز کردند که قبل از آن‌ها هیچ کس مرتکب این عمل نشده بود خداوند در مورد قوم لوط چنین می‌فرماید:

﴿وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنَ ٱلۡعَٰلَمِينَ٨٠ إِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ شَهۡوَةٗ مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ٨١﴾ [الأعراف: 80-81]

«و لوط را هم فرستادیم به سوی قوم خود گفت آیا کار بسیار زشت و پلیدی را انجام می­دهید که کسی از جهانیان پیش از شما مرتکب آن نشده است. شما به جای زنان به مردان دل بسته‌اید و با آنان می‌آمیزید. اصلاً شما مردان تجاوز پیشه‌اید».

بعد از قوم لوط این عمل در ملل گذشته هم شیوع پیدا کرده بود. از این عمل ننگین که حتی حیوانات هم از آن دوری می‌ورزند متاسفانه امروز انسان‌ها در تمام دنیا مرتکب چنین عمل زشت و مضرت باری هستند و حتی در کشورهای غربی این عمل به صورت عامیانه انجام می‌گیرد در حالی که حضرت رسول ج بر چنین افرادی لعنت فرستاده است.

وعن ابن عباس قال: قال رسول الله ج: «من وجدتموه يعمل عمل قوم لوط فاقتلوا الفاعل والمفعول به»[[5]](#footnote-6).

«هر کس را که یافتید که عمل قوم لوط را انجام می‌دهد فاعل و مفعول را بکشید».

وعن أبي هريرة س عن النبي ج قال: «أربعة يصبحون في غضب الله ويمسون في سخط الله، قلت: من هم يا رسول الله؟ قال المتشبهون من الرجال بالنساء‌ والمتشبهات من النساء‌ بالرجال والذي يأتي البهيمة والذي يأتي الرجال»[[6]](#footnote-7).

از ابوهریرهس مروی است که رسول خدا ج فرمود: «چهار نفرند که صبح کنان و شب کنان در غضب خدا قرار می‌گیرند، عرض کردم چه کسانی هستند؛ فرمود مردانی که خود را همانند زنان می­کنند و زنانی که خود را همانند مردان می­کنند و آنکه بر خلاف فطرت حیوان را وطی کند و آنکه با مردان قضای شهوت کند».

حکم همجنس‌بازی در زمان خلیفه­ی اول

محمد بن الْمُنْکدِرِ از صفوان بن سلیم واقعه‌ای را از زمان ابوبکرس چنین بیان می‌کند که خالد بن ولید س به ابوبکر صدیقس نامه‌ای نوشت که «اینجا در یک قبیله از عرب کسی پیدا شده که با او عملی انجام می‌دهند که با زنان انجام می‌شود».

ابوبکر صدیقس صحابه را جمع کرد و مشورت نمود .حضرت علیس فرمود که این چنین گناهی است که بغیر از قوم لوط آنرا کسی انجام نداده است و آنچه خداوند به آنان سزا ‌داد همه شما می‌دانید، به نظر من باید این شخص در آتش سوزانیده شود. بقیه اصحاب هم بر این رای او اتفاق کردند و ابوبکرس دستور داد تا او را در آتش بسوزانند[[7]](#footnote-8).

استمنا بالید

یکی از اعمال منافی عفت که دامنگیر جوانان و نوجوانان می‌شود استمنا است که بر اثر تحریک غریزه نفسانی دست به چنین عمل مهلکی می‌زنند و از این طریق امیال جسمانی خود را ارضاء می‌کنند.

امروز این عمل در تمام اقوام شیوع پیدا کرده است و اکثر افرادی که مجرد زندگی می‌کند و با دیدن زنان نامحرم که امروز به صورت وحشتناکی و با قیافه‌های مختلفی به خیابان می‌آیند غریزه جنسی آنان تحریک می‌شود و بر همین اثر آنان به این عمل پست و خلاف فطرت دست می‌زنند.

زیان‌هائی که استمنا در بر دارد از نظر پزشکی ثابت شده که هر کسی غریزه خودش را از استمناء خاموش کند با عوارض همچون ضعف اراده، ضعف شدید حافظه، احساس گناه و شرمندگی، غم و اندوه و غیره... مواجه خواهد شد که در نتیجه باعث هلاکت می‌شود، خداوند در مورد افرادی که خود را با دست خود به هلاکت می‌رسانند می‌فرماید:‌

﴿وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ﴾ [البقرة: 195]

«و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید».

تشابه به زنان و مردان

در میان مسلمانان رسومات غربی امروز به شدت یافت می­شود که اکثر مردان و زنان مبتلا به این رسومات هستند. بیشتر مردان یا زنان خود را مثل اروپائیان به شکل مرد یا به شکل زن در می­آورند.

در ممالک اسلامی می‌بینیم که اکثر مردان موهای سر خود را مثل زن دراز می‌گذارند و ریش خود را تا آخر تیغ می‌زنند و خود را مثل یک زن مشابه می­کنند و همچنین در مقابل زنان موهای خود را کوتاه می­کنند و با لباس مردانه در خیابان و کوچه‌ها به راه می‌افتند در حالی که رسول ج از این گونه رفتارها برحذر داشته و فرموده است:

«ليس منا من تشبه بغيرنا لا تشبهوا باليهود والنصاری»[[8]](#footnote-9).

«کسی با دیگران مشابهت اختیار کند از ما نیست پس با یهود و نصاری هرگز مشابهت اختیار ننمائید».

عن أبي هريرهس قال: قال رسول الله ج: «أربعة يصبحون في غضب الله ويمسون في سخط الله. قلت: من هم يا رسول الله؟ قال: المشتبهون من الرجال بالنساء والمشتبهات من النساء بالرجال»[[9]](#footnote-10).

از ابوهریرهس مروی است که رسول خدا ج فرمود: «چهار نفرند که صبح کنان و شب کنان در غضب خدا قرار می‌گیرند، عرض کردم چه کسانی هستند؛ فرمود مردانی که خود را همانند زنان می­کنند و زنانی که خود را همانند مردان می­کنند».

در روایتی دیگر می‌فرماید:

«من تشبه بقوم فهو منهم»[[10]](#footnote-11)

«هر کسی با یک ملتی(یا قومی) مشابهت اختیار کند از آنان بشمار می‌آید».

سفر زن به تنهایی یا با مرد بیگانه حرام است

وعن أبي هريرة س قال: قال رسول الله ج: «لا يحل لامرأة تؤمن بالله واليوم الآخر أن تسافر مسيرة يوم وليلة إلا مع ذي محرمٍ عليها»[[11]](#footnote-12).

از ابوهریرهس روایت است که رسول الله ج فرمودند: «برای زنی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، جائز نیست که به اندازه مسافت یک شبانه روز سفر نماید مگر اینکه محرمی با او همراه باشد».

در حدیثی دیگر می‌فرماید:

وعن ابن عباسب: أنه سمع النبي ج يقول: «لا يخلون رجل بامرأة إلا ومعها ذو محرم ولا تسافر المرأة إلا مع ذي محرم» فقال له رجل: يا رسول الله! إن امرأتي خرجت حاجّة وإني اكتتبت في غزوة كذا وكذا قال «انطلق فحج مع امرأتك»[[12]](#footnote-13).

از ابن عباسب روایت است که وی از رسول الله ج شنید که می­فرمود: «هیچ مردی با زنی خلوت نکند مگر اینکه با وی محرمی باشد و زن سفر نکند مگر اینکه محرمی با او همراه باشد»، سپس مردی گفت: یا رسول الله! زنم به قصد حج بیرون آمده و نام من در زمره کسانی نوشته شده که به غزوه فلان و فلان می‌روند. فرمود: «برو با زنت حج کن».

از این احادیث معلوم می‌شود که زن به هیچ عنوان و دلیلی نمی‌تواند به تنهائی یا با مرد بیگانه‌ای سفر کند. حتی رسول الله ج صحابه‌ای را که زنش به قصد حج بیرون آمده بود او را از غزوات معاف کرد و به او دستور داد تا با زنش به حج برود تا همراه او شخص محرمی باشد و از دستبرد مردان بیگانه در امان باشد.

اختلاط با مرد و زن اجنبی

تعریف اختلاط: جمع شدن مرد و زنی که با هم نامحرم هستند یا اینکه مردان با زنان نامحرم در یک مکان واحدی که مکان اتصال در میان آن‌ها وجود دارد گرد هم آیند. چه با نگاه کردن یا اشاره یا صحبت کردن باشد، پس خلوت کردن مرد با زن اجنبی که نامحرم است در هر حالی که باشد اختلاط نام دارد.

خلوت کردن دو جنس مذکر و مونث از بزرگترین اسباب فحشا هست و همچنین خطرناکترین فساد خلوت کردن با نامحرم است بخاطر اینکه در میان آن دو شخص سومی که شیطان است حضور دارد.

همچنان که حضرت رسول الله ج فرمودند:

«لا يخلون رجل بامرأة إلا كان الشيطان ثالثهما»[[13]](#footnote-14).

«هرگز مردو زنی (نامحرم) با یکدیگر خلوت نمی­کنند مگر اینکه شیطان سومین آن‌ها خواهد بود».

همچنین خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡ‍َٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ﴾ [الأحزاب: 53]

«و چون از زنان چیزی را طلب کنید پس آن را از پس پرده بطلبید».

در حدیثی دیگر از ابن عباسب روایت شده که رسول الله ج می‌فرماید:

«لا يخلون رجل بامرأة إلا ومعها ذو محرم»[[14]](#footnote-15).

«هیچ مردی با زنی خلوت نکند مگر به حضور کسی که محرم است».

ازاین احادیث معلوم می‌شود که هیچ زنی یا مردی با اجنبی بغیر از محرم خود خلوت نکند.

اما متاسفانه بیشتر زنان با مردان نامحرم در یک خانه به تنهائی خلوت می­کنند و با آن‌ها مثل یک پدر یا برادر خوش و بش می­کنند و با آن‌ها به شوخی‌های ناجائز می‌پردازند.

در حالی که خلوت کردن به این معنا نیست که با مردان بیگانه به رقص و کارهای ناشایست بنشیند. بلکه اصل معنای خلوت کردن این است که مرد با زن به تنهائی دور از چشم مردم به صحبت کردن بپردازند. این عمل امروزه در خانه بعضی از مسلمانان مشاهده می‌شود که آن‌ها خدمه‌های اجنبی را به خانه می‌آورند و با زن و فرزندان آن‌ها به تنهائی در یک خانه به صحبت می‌نشینند.

بیشتر مردم برای خانواده خود راننده ماشین می­گیرند که صبح و شام در غیاب مردان با زنانشان به تنهائی به سر می‌برند بدون اینکه با آن‌ها محرمی می‌باشد. و بعضی از مسلمانان از اوائل فرستادن دخترانشان به مدارس آن‌ها را با راننده‌های بیگانه تنها می‌گذارند و بعضی دیگر محارمشان را همراه راننده ماشین به تنهائی به بازار می‌فرستند در حالی که همه این‌ها نمونه‌ای از بی‌حجابی و بی‌عفتی است که با مخلوط شدن مردان و زنان بیگانه در جامعه فساد و بی‌بند و باری را عام می‌گرداند.

خلوت کردن با نزدیکان شوهر

خلوت کردن با نزدیکان شوهر یکی از راه‌هائی است که زن و مرد را به راه انحراف می‌کشد حضرت رسول اکرم ج در مورد نزدیکان شوهر فرمود:

وعن عقبة بن عامر أن رسول الله ج قال: «إياكم والدخول علی النساء»، فقال رجل من الأنصار: أفرأيت الحمو؟ قال: «الحمو الموت»[[15]](#footnote-16).

از عقبه بن عامرس روایت است که رسول الله ج فرمود: «از وارد شدن بر زنان بپرهیزید» مردی از انصار گفت: در مورد نزدیکان شوهر خبر بده؛ فرمود: «نزدیکان شوهر به منزله مرگ است».

حضرت فاطمه الگوی زنان امت محمدی**[[16]](#footnote-17)**

حضرت فاطمه­ل از نظر شرم و حیا یک الگو منحصربفرد به شمار می‌آید. وی نمونه بارزی برای زنان امت حضرت رسول اکرم ج است. او هرگز خود را جلوی مردان بیگانه ظاهر نمی‌کرد و صدای خود را به هیچ وجه بلند نمی‌کرد که مبادا نامحرمی صدای او را بشنود.

روزی حضرت فاطمهل نزد اسماء بنت عمیسل نشسته بود و شروع به گریه کرد. حضرت اسماءل از گریه او تعجب کرد و سبب گریه او را پرسید. حضرت فاطمهل فرمود: بعد ازاینکه من وفات کردم و من را غسل و تدفین کردند و بر تابوت گذاشتند همه مردم چاقی و بلندی من را می‌بینند و من هرگز دوست ندارم مردان نامحرم من را ببینند؛ حضرت اسماءل از چنین تفکری بسیار به شگفت آمد و در کشور حبشه چگونگی جنازه زنان حبشه را به یاد آورد و عرض کرد در کشور حبشه دیده ام که چهار طرف جنازه را بلند می‌کردند و پتوئی روی آن می‌انداختند تا میت که در آن است پیدا نگردد حضرت فاطمهل از این صحبت بسیار خوشحال شد و برای او دعای خیر کرد و وصیت کرد تا جنازه‌اش به همین صورت حمل شود تا کسی از مردان او را نبینند. شاعر در مورد حجاب زن این گونه می‌فرماید:

ای زن، ز فاطمه به تو اینگونه خطاب است

که ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است

حقوق زن و شوهر بر همدیگر

حقوق شوهر بر زن

1. خداوند متعال مردان را نسبت به زنان یک برتری خاصی عنایت فرموده است که در قرآن کریم می‌فرماید:‌

﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞۗ﴾ [البقرة: 228]

«و مردان بر آنان درجه برترى دارند»

در جائی دیگر می‌فرماید:

﴿ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ وَبِمَآ أَنفَقُواْ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡۚ﴾ [النساء: 34]

«مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند».

1. از دیگر حقوق شوهر این است که هر­گاه زنش را به رختخواب فرا خواند زن از این درخواست او امتناع نکند و او را راضی گرداند.

ابي هريرهس از رسول الله ج روايت مي‌كند كه فرمود:

«إذا دعا الرجل امرأته إلی فراش فلم تأته فبات غضبان عليها لعنتها الملائكة حتى تصبح»[[17]](#footnote-18).

هرگاه شخصی زنش را به بستر خود بطلبد و او با وی همبستر نشود و شوهرش با حالتی خشمناک بخوابد فرشتگان تا صبح او را لعنت می­کنند.

در جائی دیگر می‌فرماید:

«إذا باتت المرأةُ هاجرةً فراشَ زَوْجها لعنتها الملائكة حتى تصبح»[[18]](#footnote-19).

«هرگاه زن در حالی بخوابد که بستر شوهر خود را ترک نمود فرشتگان تا صبح او را لعنت می‌کنند».

و همچنین روایت نموده که رسول الله ج فرمودند:

«لو كنت آمرا أحدا أن يسجد لأحد لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها»[[19]](#footnote-20).

از ابوهریرهس از رسول خدا روایت است که فرمود: «اگر کسی را دستور می‌دادم تا به دیگری سجده کند همانا به زن را دستور می‌دادم تا به شوهرش سجده کند».

1. زن باید از آبروی شوهر و شرف او حفاظت بکند و باید از مال و فرزندان شوهر حفاظت کند و سائر امور منزل را انجام بدهد در این مورد خدای عزوجل می‌فرماید:

﴿فَٱلصَّٰلِحَٰتُ قَٰنِتَٰتٌ حَٰفِظَٰتٞ لِّلۡغَيۡبِ بِمَا حَفِظَ ٱللَّهُۚ﴾ [النساء: 34]

«پس، زنان درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان‌] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند».

رسول الله ج می‌فرماید:

«والمرأةُ رَاعِيَةٌ على أَهْلِ بَيْتِ زوجها، وولدِهِ»[[20]](#footnote-21).

«و زن در مورد اهل بیت شوهر و فرزندانش راعی و مسئول است».

1. یکی دیگر از حقوق شوهر این است که زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون نرود و هر­گاه خواست به جائی برود از شوهر خود اجازه بگیرد و رضایت او را جلب کند.
2. همچنین زن باید رضایت شوهرش را برآورده کند و از نارضایتی او اجتناب ورزد چنان‌چه هر­گاه او به فراشش خواند زن مانع نشود مگر به عذری از حیض و نفاس، و حرام است برای مرد اینکه زن را در هنگام حیض و نفاس مجبور به مجامعت بکند.

همچنان که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَٱعۡتَزِلُواْ ٱلنِّسَآءَ فِي ٱلۡمَحِيضِ وَلَا تَقۡرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطۡهُرۡنَۖ﴾ [البقرة: 222]

«پس هنگام عادت ماهانه، از [آمیزش با] زنان کناره‌گیری کنید، و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند».

1. از دیگر حقوق شوهر این است که زن نمی‌تواند هنگام حاضر بودن شوهر روزه بگیرد یا شخصی را بدون اجازه شوهر اجازه ورود به منزل بدهد مگر با اجازه شوهرش.
2. رسول الله ج به زنی که شوهرش را در دنیا اذیت نکند وعده بهشت داد و از ام سلمهل روایت است که رسول الله ج فرمود:

«أيُّمَا امْرَأةٍ مَاتَتْ، وَزَوْجُهَا عَنْهَا رَاضٍ دَخَلَتِ الجَنَّةَ»[[21]](#footnote-22).

«هر زنی که بمیرد و شوهرش از او راضی باشد به بهشت داخل می‌گردد».

1. حوران بهشتی زنی را که شوهرش را اذیت بکند دعای بد می‌کنند.

و عن معاذ بن جبل س عن النبي ج قال: «لاَ تُؤْذِي امْرَأةٌ زَوْجَهَا في الدُّنْيَا إلاَّ قَالَتْ زَوْجَتُهُ مِنَ الحُورِ العِينِ: لاَ تُؤذِيهِ قَاتَلكِ اللهُ‍! فَإِنَّمَا هُوَ عِنْدَكِ دَخِيلٌ يُوشِكُ أنْ يُفَارِقَكِ إِلَيْنَا»[[22]](#footnote-23).

از معاذ بن جبلس روایت است که رسول الله ج فرمود: هیچ زنی شوهرش را در دنیا اذیت نمی‌کند مگر اینکه همسرش از حور العین می‌گوید خدا ترا بکشد او را اذیت مکن او مهمان تو است و زود است از تو جدا گشته و به ما بپیوندد.

حقوق زن بر شوهر

1. یکی از حقوق زن بر شوهر این است که شوهر با زن خودش رفتاری خوب و پسندیده داشته باشد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ﴾ [النساء: 19]

«با آن‌ها به شایستگی رفتار کنید».

1. وظیفه شوهر است زن را خوراک و پوشاک بدهد و با او به خوبی رفتار کند و زنان هم اجازه ندارند که کسانی را که شما دوست ندارید به داخل خانه وارد کنند رسول الله ج در حدیثی می‌فرماید:

«اتَّقُوا اللَّهَ فِى النِّسَاءِ فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ وَاسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ وَإِنَّ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لاَ يُوطِئْنَ فُرُشَكُمْ أَحَدًا تَكْرَهُونَهُ فَإِنْ فَعَلْنَ ذَلِكَ فَاضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبَرِّحٍ وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»[[23]](#footnote-24).

«درباره زنان از خدا بترسد زیرا شما آن‌ها را به امان خدا گرفته اید و شرمگاه آن‌ها را به کلمه خدا حلال گردانیده اید و شما بر آن‌ها حق دارید که کسی را که شما نمی‌پسندید بدون اجازه در خانه شما راه ندهند و اگر چنین کردند آن‌ها را بگونه‌ای که دور از خشونت و تجاوز باشد بزنید و آنان بر شما مطابق با عرف نفقه و سکنی دارند».

1. برای شوهر است که زنش را از بی‌حجابی و بی‌عفتی و از نگاه نامحرم دور نگه دارد.
2. شوهر باید امور دینی را از جمله نماز، مسائل روزه، مسائل دیگر را به زنش تعلیم بدهد.
3. مرد نباید اسرار زنش را با دیگران فاش کند و همچنین نباید عیب او را با دیگران در میان بگذارد.
4. اگر ازدواج دیگری کرد باید عدالت را بین آن‌ها رعایت کند از قبیل طعام، شراب، پوشاک، خوابیدن.

خاتمه

هر مسلمان در زندگی خود وظیفه‌ای دارد که بدان باید عمل کند که آن عبارت از عبادت و پرستش خداوند متعال است به تنهایی و یگانگی و طبق روش و سنت رسول الله ج. هر کس که به این وظیفه خود طبق شروط و ضوابط آن عمل کند کامیابی دنیوی و اخروی را نصیب خود کرده‌، و حیات جاویدان را بدست آورده است. و پس از مرگ هم در اجتماع نام نیکش باقی خواهد ماند. و اگر از وظیفه خود روی گردانی کند زیان دنیوی و اخروی را به خود جذب نموده و در جامعه بشری جای خودش را از دست داده است.

این رساله بنا بر اقتضای جامعه‌ی که سرتاسر آن را بی‌حجابی و بی‌عفتی فرا گرفته است به رشته تحریر در آمده است. در اکثر جوامع کنونی زنانی که سال‌ها در حجاب و عفت حرف اول را در جهان می‌زدند اما امروز روش غربی‌ها را پیش گرفته‌اند و با مدهای غربی وارد خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌شوند و عفت و شرف خود را از دست داده‌اند و دنبال مردان شیطان صفت را گرفته‌اند و با آن‌ها خلوت می‌گزینند و عزت و آبروی خودشان را به خاطر چند درهم زیر پای آن‌ها می‌ریزند. بنده این را وظیفه خود دانستم که به نوعی پیام خدای عزوجل و رسول گرامیش را با قلم ناتوان خویش به زنانی که سال‌ها با عزت و شرف زندگی کردند برسانم. امیدوارم که این رساله مقبول درگاه احدیت قرار بگیرد و باعث عفو گناهان این حقیر باشد.

وصلى الله على نبينا محمد وعلى آله وصحبه اجمعين

عبدالباسط توتازهی

29/6/1385 هـ. ش

مطابق با 21/7/1427 هـ. ق

فهرست منابع و مآخذ

صحیح البخاری / امام محمد بن اسماعیل بخاری / دارالارقم

صحیح مسلم / امام مسلم بن حجاج نیشابوری / دارالحیاء التراث العربی

سنن ترمذی / امام ابو عیسی ترمذی / دارالفکر

سنن ابی داوود / امام حافظ ابی داوود /سلیمان بن أشعث بن اسحاق الأزدی سجستانی/ دارالسّلام للنشر و التوزیع الرّیاض

سنن نسائی / حافظ جلال الدین سیوطی / دارالحیاء التراث العربی

سنن ابن ماجه / حافظ ابی عبدالله محمد بن یزید القزوینی / دار ابن حزم

مسند امام احمد بن حنبل / امام احمد بن محمد بن حنبل شیبانی

لمعات شرح مشکوة المصابیح / ج 3

تفسر معارف القرآن / تألیف حضرت مولانا محمّد شفیع عثمانی دیوبندی / مترجم حضرت مولانا محمّد یوسف حسین پور / انتشارات شیخ الاسلام احمد جام

سیدتنا الطاهرة فاطمة الزهرا / سید محمد عقیل زاده گزیری

1. - صحیح مسلم حدیث 4765. [↑](#footnote-ref-2)
2. - صحیح ابن خزیمه ج 3 ص 93. [↑](#footnote-ref-3)
3. . بخاری و مسلم. [↑](#footnote-ref-4)
4. . کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال ج 5 ص 315. [↑](#footnote-ref-5)
5. . سنن ابی داود شمارة حدیث 4462، ترمذی حدیث 1456، ابن ماجه حدیث 2564، نسائی حدیث 2561. [↑](#footnote-ref-6)
6. . متفق علیه. [↑](#footnote-ref-7)
7. . سنن کبری بیهقی شمارة حدیث 16805، معارف القرآن ج 3 ص 420.

   حافظ ابن حجر عسقلانی در مورد حکم حدیث می‌فرماید: این حدیث ضعیف جدا است. (مصحح)

   اما این حکم از راه‌های دیگری ثابت هست. [↑](#footnote-ref-8)
8. . سنن ترمذی حدیث 2619 . [↑](#footnote-ref-9)
9. . متفق علیه. [↑](#footnote-ref-10)
10. . متفق علیه. [↑](#footnote-ref-11)
11. . بخاری ج 2 ص 468، مسلم حدیث 1339، ابو داوود 1726، ترمذی 1170. [↑](#footnote-ref-12)
12. . بخاری ج 4 ص 64 ـ 65، مسلم 1341. [↑](#footnote-ref-13)
13. . احمد و ترمذی. [↑](#footnote-ref-14)
14. . بخاری ج 9 ص 290، مسلم حدیث 1341 [↑](#footnote-ref-15)
15. . ترمذی 1171، صحیح بخاری حدیث 5232، مسلم 2172. [↑](#footnote-ref-16)
16. . زندگی سیدتنا فاطمه زهرا ص 256 ـ 255. [↑](#footnote-ref-17)
17. . سنن ابی داود حدیث 2141، بخاری ج 9 ص 258، مسلم 1436. [↑](#footnote-ref-18)
18. . متفق علیه. [↑](#footnote-ref-19)
19. . ترمذی 1159، ابن حبان 1291، ابن ماجه 1853. [↑](#footnote-ref-20)
20. . بخاری ج 2 ص 317، مسلم حدیث 1829، مسند احمد ج 2 ص 5 و 54 و111. [↑](#footnote-ref-21)
21. . سنن ابن ماجه حدیث 1854، ترمذی 1161. [↑](#footnote-ref-22)
22. . ترمذی 1174، مسند احمد ج 5 ص 242. [↑](#footnote-ref-23)
23. . صحیح مسلم ج 7 ص 304 . [↑](#footnote-ref-24)